



۲۰۱۶/۰۷/۱۷



صالحه واهب واصل

دوستان و علاقه مندان گرامی وبسایت «افغان جرمن آنلاين» سلام ها و احتراماتم را بپذيريد.



از آنجائیکه همه میدانید پورتال ملی «افغان جرمن آنلاين» یکی از پربیننده ترین رسانه های افغانی در جمع همه وبسایت های فعال کنونی افغانی در جهان انترنت بوده و همیشه سعی و تلاش دارد تا مردم و ملتش را با نشر حقایق، بدون هر نوع تبعیض و جهت گیری از حزب و یا مذهبی، در روشنی نگهداشته، حالات و اوضاع سیاسی کشور را در ادوار مختلف با چهره های پیشوا ها و زمامداران مختلف خصوصاً در چهار – پنج دهه اخیر مورد بحث و بررسی قرار دهد. بدون شک این بررسی و تحلیل هیچگاهی بی اساس نبوده و مبنی بر نوشته های مستند از نویسندگانی که هنوز در قید حیاتند، و یا آنانی که خود با تأسف دیگر در بین ما نیستند ولی گواهانی هنوز حیات دارند و شاهد واقعات و حوادث آن ادوار بوده اند و هنوز توانائی بیان چشم دید های شان را بصورت تحریری و یا شفاهی دارند، به خوانندگان و تاریخ نویسان این پورتال با امانت داری

کامل، ارائه نماید. تا باشد که افکار و اذهان هموطنان ستمدیده ما که عمریست با اسارت ها و اظلام نابخشودنی بیگانگان به کمک اشخاص سست عنصر خود فروخته به بیگانگان و خارجیان از جمع خود ما، دست و پنجه نرم میکنند، روشن شده و به صورت عادلانه قضاوت نمایند.

اینک این بار اندوخته ای بسی مهم و تأریخی را معنون به **(کودتای پنجم در سقوط دولت جمهوری سرخ یا سیاه؟)** که نویسنده آن به لطف خدا هنوز در قید حیات تشریف دارند، جهت جلوگیری از طولانی شدن مطلب در یک بخش، به چند بخش تنظیم شده خدمت شما عزیزان تقدیم می نمایم و امید میبریم تا در قضاوت های تان روی موضوعات، از خاطر جمع و خونسردی کامل استفاده نموده، بیطرفانه و عادلانه موضوع را مورد بحث و بررسی و تحلیل قرار دهید و اگر سؤالی در اذهان روشن بین تان خطور میکند همه را فوراً بیرون نویس و یادداشت نمائید تا بعد از ختم رساله با جناب نویسنده مطلب صادقانه و بیغرضانه مطرح ساخته، پاسخ تان را بدست آرید.

رساله یا کتاب مورد بحث نوشته محترم (داکتر حسن شرق) بوده دارای ۱۵۵ صفحه است و این ۱۵۵ صفحه به ۱۵ قسمت تنظیم گردیده که هر قسمت حاوی ۱۰/۵ صفحه میباشد. مسؤولیت هر جمله و کلمه درج شده در کتاب را جناب داکتر صاحب شرق خود عهده دار میباشد. سؤالاتی که بعد از ختم این کتاب از جانب خوانندگان کتاب مطرح خواهد گردید به خود داکتر صاحب راجع میگردد و خود ایشان مسؤولیت پاسخ دهی خواهند داشت.

پورتال ملی «افغان جرمن آنلاين» در زمینه نشر موضوعات سیاسی و یا کلتوری فقط و فقط نقش یک وسیله دیجیتالی را بازی نموده آگاهی وارده را به سمع و بصر مطالعه کنندگان و علاقه مندانش میرساند.

## قسمت چهاردهم



د پانو شمیره: له ۱ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پزوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

## کودتای پنجم .... سرخ یا سیاه نوشته داکتر حسن شرق (قسمت سیزدهم) به ادامه قسمت سیزدهم ....

دوم

خطاب به مردم

خطاب به مردم یا بیانیه شامگاه اول سنبله ۱۳۵۲ش محمد داود رئیس دولت جمهوری به مناسبت تجلیل از استقلال افغانستان، که از وحدت و همبستگی و روش اقتصادی کشورهای جهان سوم الهام گرفته بود، نه از حدس و گمان های سر کوجه و بازار.

بعد از جنگ جهانی دوم نهضت های آزادی بخش در سراسر کشورهای زیر سلطه استعمار مانند آتشی از زیر خاکستر زبانه می کشد و به طوفان عظیم ضد استعمار برای آزادی مبدل می گردد و هر ماه و سال جهانیان گواه آزادی کشوری به دنبال کشور دیگری می شدند.

همزمان با آن استعمار، که با چهره بدل کردن دو قطبی شده بود، برای بلعیدن کشورهای پر منفعت از دست رفته، دام مفکوری هموار می نمود و جهان را بین خویش برادرانه، اما یکی کم و دیگری بیشترک، زیر عنوان شیفتگان کمونیزم و یا دلباختگان سرمایه داری فریفته و آماده بلعیدن می کردند.

به طرف دیگر، کشورهایی که سال ها در دام تزویر آنان شیره کشی و استثمار شده بودند و تازه در زیر پرچم آزادی قد راست و نفس تازه می کردند، برای اینکه اعتبار و آبروی به دست آورده را از دست نداده باشند و از یکه ماندن و تنها بودن دو باره به دام استعمارگران نیفتند، دست وحدت و همبستگی به سوی هم دراز می کنند و تهداب دنیای سوم یا کشورهای بیطرف را می گذارند.

اکثر کشورهای بیطرف، به استثنای افغانستان، مستعمرات تازه به استقلال رسیده بودند. بناء هدف یا خط مشی کشورهای بیطرف برای مستقل ماندن و بیطرف بودن آن بود تا در دسته بندی های نظامی ابرقدرت ها (غربی ها و شرقی ها) به هیچ شکلی از اشکال سهم نشوند و از پیروی مفکوری آنان جداً بپرهیزند و سیاستی را در ساحه بین المللی اتخاذ نمایند که حاکمیت و منافع ملی آنان را در بر داشته باشد تا منافع ابرقدرت ها را. ولی با آنهم بیطرفی معنا و مفهوم بی تفاوتی و قطع مرابوده با ابرقدرت ها را نداشت، بلکه هر کدام به زعم خود می خواستند تا با حفظ موقف سیاسی و استقلال کشور خویش نزدیک ترین مرادوات را با ابرقدرت ها حفظ نمایند تا از کمک های بدون قید و شرط اقتصادی و فهم و درایت متخصصین آنان در آبادی کشورهای شان استفاده کنند. زیرا کشورهای جهان سوم کشورهای عقب مانده و تازه رو به انکشاف بودند و بسا نکات مفید و ارزنده را می شد از نظام سرمایه داری و یا سوسیالیزم سرمشق قرار دهند.

با استفاده از چنان روشی زمامداران جهان سوم اقتصاد مختلط و سیستم پلان گذاری را در کشورهای خویش طرح و عملی می کردند. حکومت افغانستان هم در جمع کشورهای بود که پلان گذاری و تطبیق آنها در همان سال های تأسیس نظام بیطرف ها خط مشی حکومت خویش قرار داده بودند.

بنابراین، بیش از همه آنچه محتوای "خطاب به مردم" را تشکیل می داد، نتیجه گیری از پلان های پنج ساله اول و دوم و دو پلان دیگر اقتصادی افغانستان، با در نظر داشت نکات مثبت و منفی آنها در بیست سال اخیر از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۲ش بود، زیرا کشور ما جمع کشورهای رو به انکشاف به این مفکوره و نتیجه رسیده بودند تا از سرمایه داری و سوسیالیزم به تدریج چیزهایی برچینند که در کشورهای رو به انکشاف قابل تطبیق و به مردم شان قابل قبول باشند. بناء هدف اصلی و اساسی از طرح و پی ریزی "خطاب به مردم" این بود تا ترکیبی از اقتصاد مختلط و رهبری شده به پیشگاه مردم افغانستان ارائه شود که نه شباهت به سوسیالیزم شوروی داشته باشد و نه همدیاف سرمایه داری امریکا باشد.

از آنرو سعی به عمل آمده بود تا از سوسیالیزم و سرمایه داری و تجارب کشورهای رو به انکشاف در ترویج پلان های اقتصادی در کشور ما چیزهایی برگزیده شوند که نه با عنعنات ملی و نه با معتقدات دینی مردم ما تضاد داشته باشند و نه هم تقلید کورکورانه محسوب شوند. یعنی بازهم یک اقتصاد رهبری شده و پلان شده.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

به راه انداختن روش پلان گذاری در افغانستان که قسمت عمده و قابل تطبیق "خطاب به مردم" از آن اقتباس شده است، ۱۸ سال قبل از جمع بندی و پخش "خطاب به مردم" و ده ها سال پیش از تولد ح.د.خ در افغانستان عملاً پیاده شده بود.

اما با همه وضاحت و صراحت باز هم مخالفین جمهوری در کنار اینکه جمهوری خواهان را **نفی شخصیت** می کردند، برای آنکه **نفی دانش** هم کرده باشند تدوین "خطاب به مردم" را هم به ح.د.خ. نسبت می دادند تا به دانشمندان جمهوری.

بنابراین بارها "خطاب به مردم" را مکرر مرور می کردم تا نکته ای در آن دریابم که در پلان های پنج ساله از آن بحث نشده باشد و یا لاف در پیش بینی های انکشافی برای کشور فراموش شده باشد، موفق به دریافت آن نشدم. اما برای تجسس دیگران اینک شما و بیانیه خطاب به مردم افغانستان.

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**هموطنان عزیز، نجیب و قدر شناس افغانستان،**

به مناسبت این رستاخیز ملی و تحول شگفت انگیز سیاسی که در وطن عزیز ما افغانستان رخ داده است، باز هم مراتب تبریکات صمیمانه خود و رفقای قهرمان خویش را که به تاسی از اراده بالقوه مردم افغانستان جانبازانه به امر عظیم تاریخی ملی اقدام نمودند و سنگ تهادب اولین جمهوریت افغانستان را گذاشتند به همه مردم نجیب و زحمتکش کشور به خصوص به اردوی فداکار و جوان افغانستان تقدیم می دارم.

همچنان از پشتیبانی پر شور و شوق مردم افغانستان که از روز اول تأسیس رژیم جمهوری در وطن ابراز داشته اند اظهار سپاسگزاری و تشکر می کنم.

هموطنان گرامی می دانند که تاریخ استرداد استقلال افغانستان در حقیقت ۶ جوزا است، اما از سالیان دراز معمول بر این شد که یاد و بود آن روز مقدس ملی در اول سنبله تجلیل گردد. امسال هم به پیروی از تعامل گذشته خود را وجداناً مکلف می دانم تا تبریکات خود و رفقای خود را به مناسبت این روز فرخنده به همه هموطنان گرامی تقدیم کنم.

**هموطنان گرامی، خواهران و برادران عزیز،**

ما مطابق به شرایط و قانون تکامل جامعه عملاً و عملاً بر حسب پلان و به یاری خداوند بزرگ و همکاری مردم خویش قدم به قدم برای اجرای تحولات بنیادی در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه اقدام خواهیم کرد. این وعده ای است که در روز اول اعلامیه جمهوریت برای مردم افغانستان داده شده بود. امیدوارم که به یاری خدای توانا، من و رفقایم تا آخرین رمق حیات به ایفای این وعده صادق و وفادار خواهیم بود.

ما طوری که در بیانیه صبح ۲۶ سرطان اعلام داشتیم برای سعادت آینده وطن، بیرق جمهوریت و دیموکراسی واقعی و معقول را که اساس آن بر خدمت و رأی اکثریت مردم افغانستان برقرار باشد، بر افراشتیم و در راه تأمین حقوق کامل مردم و اعتراف کامل به اصل حاکمیت ملی به لطف خداوند بزرگ گام اول (تأسیس جمهوریت) برداشته شد.

و اکنون در مرحله ای قرار داریم که سوال های زیر مطرح است:

چه کرده می توانیم؟

از کجا باید شروع کرد؟

به کدام جهت باید رفت؟

برای جواب دادن به این پرسش ها، باید قبل از همه اعلام داشت که در اوضاع و احوال کنونی وظیفه عمده و مبرم و ضروری دولت جمهوری جوان افغانستان تحکیم پایه های رژیم جمهوری، تأمین امنیت کامل، مصونیت و رعایت قانون در سراسر کشور است، تا شرایط سالم و مطمئن دموکراتیک برای مردم سراسر افغانستان بدون تبعیض و امتیاز آماده گردد.

بنابراین به آینده قریب هیئت به غرض مطالعه و تدوین قانون اساسی جمهوریت تعیین، تا پس از طی مراحل قانونی و تصویب آن از طرف لویه جرگه افغانستان به مرحله انفاذ برآید تا دیموکراسی واقعی ملی تحقق یابد.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

دولت جمهوری افغانستان خواهان تحول عمیق و اساسی در نظام اجتماعی کشور است و با در نظر داشت ایفای وظایف متذکره، به موازات آن در اجرای وظایف ذیل مجدانه سعی خواهد کرد.

#### ۱- اصلاحات سیاسی:

با از بین رفتن رژیم گذشته، اکنون امکانات آن بوجود آمده است که کلیه قوای دولتی باید به دست مردم و استقرار حاکمیت ملی در وجود جمهوری خواهان افغانستان متمرکز گردد.

#### حاکمیت ملی:

خوشبختانه جمهوریت جوان از پشتیبانی صمیمانه اکثریت مردم افغانستان برخوردار است و از منافع اوشان نمایندگی می کند. در آینده به اساس قانون اساسی جمهوریت که نافذ می گردد، تجدید انتخاب هیئت دولت جمهوری و تفکیک قوای دولت به اساس تساوی حقوق و اشتراک قانونی مردم افغانستان صورت خواهد گرفت.

دولت جمهوری به منظور دفاع از تمامیت ارضی و استقلال وطن ما افغانستان، حاکمیت ملی، که از وظایف مقدس آن است، با در نظر داشت موازنه قوا در این منطقه دنیا، قوای مسلح و قدرت دفاعی کشور را تقویه خواهد کرد. اردوی افغانستان دیگر یک اردوی جمهوری است.

دولت جمهوری دستگاه اداری دولت را از لحاظ کارمندان، شیوه های کار، سادگی و سرعت عمل و دستگاه اداری تصفیه و اصلاح خواهد کرد و آنرا سر از نو، حتی المقدور تشکیل و تکامل خواهد داد.

دولت جمهوری که بر اساس منافع مردم و در نتیجه فداکاری فرزندان وطن پرست افغانستان بوجود آمده است، بسط و توسعه حقوق و آزادی های دموکراتیک را در وجود قانون اساسی جمهوریت و دیگر قوانین متمم آن بخاطر ترقی و تکامل جامعه، استحکام نظام جدید، پیشرفت مادی و معنوی مردم لازم می شمارد.

دولت جمهوری افغانستان برای تأمین آزادی های مردم در چوکات منافع ملی و مصالح رژیم جمهوری از همین اکنون به اقدامات مقتضی متوسل خواهد شد.

#### مسئله ملی:

افغانستان کشوری است که در آن اقوام برادر مختلف زندگی دارند و رشته های مختلفی خصوصاً دین مقدس اسلام، ساکنین افغانستان را به هم پیوند داده اند که در تاریخ طولانی کشور سرنوشت مشترک داشته و در راه استقلال و آزادی کشور متحدانه مبارزه کرده اند و در ایجاد فرهنگ مشترک ملی باهم همکاری نموده اند.

لهذا دولت جمهوری برای ایجاد یک اتحاد واقعی مادی و معنوی بین مردم افغانستان بر اساس برابری، برادری و تساوی حقوق سعی می نماید تا انواع و اشکال تبعیض را به اتکای خداوند بزرگ ریشه کن سازد.

#### ۲- اصلاحات اقتصادی:

افغانستان از لحاظ اقتصادی کشوری است در حال رشد، و رفع این عقب ماندگی مستلزم آنست که گام های سریع و وسیعی در این زمینه برداشته شود و تحولات بنیادی در این مورد اجرا گردد و یک اقتصاد ملی، مستقل و مترقی، هماهنگ و بر اساس پلان و بر پایه ساینس و تکنولوژی معاصر ایجاد شود.

#### توسعه صنایع:

دولت جمهوری افغانستان ایجاد صنایع سنگین از قبیل صنایع استخراج معادن، ایجاد صنایع فلزکاری و ماشین سازی، صنایع کیمیاوی و برق را که ضامن پیشرفت سریع اقتصاد و تحکیم استقلال کشور است، حائز اهمیت بزرگ می شمارد و در تحت سکتور اقتصاد دولتی (در حال حاضر) اقدامات جدی را در زمینه مرعی خواهد داشت. استفاده از معادن آهن حاجی گک به منظور ایجاد کارخانه نوب آهن و صنعتی ساختن کشور آرزوی همه ما است.

دولت جمهوری سرمایه گذاری خصوصی و تشبثات خصوصی در رشته صنایع کوچک و متوسط و صنایع دستی را تشویق، حمایت و کنترل خواهد کرد و همکاری های لازم را بین سرمایه های دولتی و خصوصی به منظور ترقی، هماهنگی و رشد متعادل اقتصاد ملی بصورت مختلف بوجود خواهد آورد.

دولت جمهوری حمایت از صنایع ملی، صنایع دستی و هنرهای ملی را وظیفه جدی خود می شمارد و سیاست حمایتی را از صنایع و تجارت داخلی در برابر رقابت اموال و سرمایه های خارجی در پیش خواهد گرفت.

#### تجارت:

دولت جمهوری تجارت داخلی کشور را (در حال حاضر) به اساس یک تجارت رهنمایی شده بر روی منافع ملی رهبری خواهد کرد.

#### در ساحة پولی و مالی:

دولت جمهوری اسعار خارجی را در کشور حتی المقدور کنترل جدى خواهد کرد. دولت از دوران پول در بازار سیاه سر سود فاحش جلوگیری به عمل خواهد آورد. دولت جمهوری افغانستان سیستم مالیاتی کشور را بر اساس رجحان دادن مالیات مستقیم بر غیر مستقیم اصلاح خواهد کرد.

#### زراعت:

دولت جمهوری افغانستان اصلاحات و توزیع اراضی را برای منافع اکثریت مردم افغانستان (دهاقین) یکی از اقدامات عمده در پروگرام اصلاحات بنیادی خویش در نظر خواهد گرفت.

کوپراتیف ها و شرکت های تعاونی زراعتی تولید و مصرف با اشتراک اکثریت زارعین و به نفع آنان بوسیله دولت جمهوری تاسیس خواهد شد.

دولت اراضی بایر را در صورتیکه امکان آن موجود باشد آباد و شبکه های آبیاری را توسعه داده و میان دهاقین مستحق توزیع خواهد کرد. و همچنان دولت تدابیر علمی را برای بسط و توسعه تربیة حیوانات اتخاذ خواهد کرد.

#### ساختمان، مواصلات و حمل و نقل:

دولت جمهوری ساختمان های عامه را مطابق به مقتضیات و شرایط عصر بوجود خواهد آورد. فعالیت های خانه سازی را تسریع و به مستحقین آن قرار مقررات توزیع خواهد کرد. دولت امور شهر سازی را در کشور اصلاح و به خصوص پلان بیست و پنج ساله تجدید ساختمان شهر کابل را تطبیق خواهد کرد. دولت شبکه مواصلاتی و مراکز عمده اقتصادی کشور را بوسیله راه های اساسی موثر رو با هم وصل، و امکان تاسیس شبکه راه آهن کشور را مطالعه خواهد کرد.

دولت جمهوری به منظور تسریع حمل و نقل و تأمین رفاه مردم وسایل ترانسپورتی عامه و در درجه اول بس های شهری را برای سهولت بیشتر مردم در نظر دارد.

#### ۴- اصلاحات اجتماعی:

در وضع کنونی کشور ما اکثریت مطلق مردم از حقوق و نعمات مادی و معنوی محروم اند و از لحاظ اجتماعی در شرایط دشواری به سر می بردند. این وضع رقت بار به هیچ وجه متناسب با مدنیت معاصر و درخور مردم نجیب و مستعد افغان نیست. لهذا دولت جمهوری افغانستان پروگرام اصلاحات اجتماعی ذیل را در نظر دارد.

#### بهبود شرایط کار:

دولت جمهوری برای بهبود شرایط کار و معیشت مامورین و مستخدمین دولتی اقدامات مقتضی را بعمل خواهد آورد. ارتقاء به مقامات دولتی را بر اساس شایستگی، تقوا، سوابق خدمت، روحیه وطن پرستی و عشق به خدمت در راه اعتلا و ترقی وطن در نظر خواهد گرفت.

دولت در جمله نخستین اقدامات خویش حداقل دستمزد کارگران را متناسب به مخارج زندگی و احتیاجات ضروری مادی و معنوی ایشان، و ساعات کار کارگران را تعیین خواهد کرد و اصل مزد مساوی در برابر کار مساوی را برقرار خواهد ساخت.

دولت جمهوری بیمه های اجتماعی را برای کارگران و سایر زحمت کشان شهر و ده نظر به وضع و بنیه مالی خویش تاسیس خواهد کرد و نیز بهبود وضع بلديه ها را جزء اقدامات خویش به غرض بهبود شرایط زندگی مردم در نظر خواهد گرفت و در تثبیت کرایه خانه ها، مؤسسات و دکاکین جداً اقدام خواهد کرد.

#### ترقی عمومی:

دولت جمهوری افغانستان بر پروگرام های معارف تجدید نظر نموده و آنها را اصلاح خواهد کرد. برای امحای بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی در مملکت بر اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد کرد، و نسل جوان را با تقوا و با روحیه وطن پرستی و خدمت به مردم پرورش خواهد داد.

دولت تعلیمات ابتدایی و عمومی و مجانی را برای تمام کودکان اعم از دختر و پسر از طریق بسط و توسعه مکاتب دولتی تأمین خواهد کرد. همچنان زمینه تعلیمات متوسط و عالی را به منظور پرورش کادر علمی آماده خواهد ساخت. دولت جمهوری برای بسط و توسعه مطبوعات و انتشارات دموکراتیک بمنظور بیداری مردم کمک مؤثر خواهد کرد و هنرهای ملی تیاتر و سینما و رادیو را تقویه و توسعه خواهد بخشید و هم چنان برای ایجاد شبکه تلویزیون در مملکت اقدام خواهد کرد.

دولت به منظور تحقیقات علمی و تاریخی در باره مدنیت گذشته مملکت برای حفظ آثار باستانی و تحقیقات باستان شناسی و تأسیس موزیم های ملی اقدام لازم را مرعی خواهد داشت.

دولت در ایجاد کتابخانه ها به سویه های مختلف در نقاط مختلف کشور سعی بعمل خواهد آورد.

دولت جمهوری طب معالجوی و شفاخانه های دولتی را بسط و توسعه خواهد داد تا زمینه تدای و معالجه برای عموم اهالی کشور حتی المقدور فراهم گردد. مخصوصاً طب وقایوی را توسعه خواهد بخشید و برای جلوگیری از بیماری های ساری وسایل و تجهیزات لازم را فراهم خواهد کرد.

دولت نظر به ایجاب وضع مالی مملکت زایشگاه ها، شیرخوارگاه ها و کودکانستان ها را به منظور حمایت مادران و کودکان و رشد سالم و تربیت نسل جدید ایجاد خواهد کرد.

دولت برای ایجاد شرایط لازم جهت تأمین تساوی حقوق زنان با مردان افغان در کلیه شئون حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اقدام خواهد نمود.

دولت شرایط لازم را حتی المقدور جهت مسکون شدن کوچی ها و همچنان توزیع املاک دولتی را برای مردمان بی زمین فراهم خواهد آورد و آثار حیات بدوی کوچی و عشیره ای را به لطف خدا از بین خواهد برد.

#### هموطنان عزیز،

مسلم است که ترقی اقتصادی و اجتماعی و تحول فرهنگی و اجرای ریقوم های بنیادی به دیموکراسی واقعی ارتباط نزدیک دارد. زیرا در وضع سیر تکاملی منطقه و جهان تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی به وقوع پیوسته است.

جینش های ملی و اجتماعی بطور روز افزون اوج می گیرد. نیروهای صلح دوست و آزادیخواه در برابر جنگ و تجاوز برتری کسب می نمایند. سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز روز به روز در جهان طرفدار بیشتر پیدا می کند.

دولت جمهوری جوان افغانستان با در نظر داشت تحولات جهان و به تاسی از سیاست داخلی مترقی خویش مسایل آتی را در سیاست خارجی خود در نظر می گیرد.

دولت جمهوری افغانستان در حالیکه به معاهدات عادلانه بین المللی خود وفادار می باشد معتقد است که با کمک کشورهای عضو سازمان ملل و به اتفاق سایر کشورهای صلح دوست جهان می تواند در امر تأمین صلح و امنیت، دفع تشنجات بین المللی و موفقیت دیتانت سهم بگیرد.

دولت جمهوری افغانستان معتقد است که باید به سیاست استعمار و نژادپرستانه خاتمه داده شود. اصل حق تعیین سرنوشت ملل تحقق یابد. آثار تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی از میان برده شود و حقوق مردمان فلسطین احیا گردد. سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای پیرو نظام های اجتماعی مختلف بطور دوام دار تعقیب گردد و به سیاست تجاوز و جنگ خاتمه داده شود و از توسل به قوه در زمینه حل مسائل مورد اختلاف اجتناب به عمل آید. بخاطر اعتقاد به این هدف ها دولت جمهوری افغانستان بر اساس سیاست مستقل صلح جویانه، بیطرفی مثبت و فعال و عدم شرکت در پیمان های نظامی، احترام به منشور ملل متحد، پشتیبانی از نهضت آزادی خواهی، دوستی و همکاری و تحکیم روابط حسنه با تمام کشورهای صلح دوست جهان می خواهند تا بسط و توسعه روابط همکاری فنی و فرهنگی با این کشورها بر مبنای منافع متقابل ملی استوار باشد.

دولت جمهوری افغانستان به پیروی از اراده مردم خود، به تأیید اعلامیه جمهوری (صبح ۲۶ سرطان) به صراحت و صداقت اعلام می دارد که: ماهیت سیاست داخلی و خارجی افغانستان را اصل صلح و عدالت، آزادی ملی، حاکمیت ملی و استقلال ملی تشکیل می دهد. بنابراین زیستن در صلح و تقویه علایق دوستانه به اساس اقدام متقابل با همه مردم و ملل دنیا یکی از آرزوهای قلبی ما است.

د پانو شمیره: له ۶ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



به حکم اصل همجواری خاطر نشان می سازیم که روابط همسایگی نیک و دوستی ما با اتحاد جماهیر شوروی خلل ناپذیر است.

با همسایه دیگر خود جمهوری مردم چین مناسبات دوستانه و صمیمانه داریم و آرزو مندیم این دوستی باز هم گسترش یابد. روابط ما با برادران ایرانی ما همیشه دوستانه بوده و امیدواریم این روابط دوستانه بیشتر تحکیم گردد. در مورد مناسبات با پاکستان باید گفت که متأسفانه این یگانه کشوری است که روی مسئله ملی پشتونستان و حقوق حقه برادران پشتون و بلوچ خود با آن اختلاف نظر داریم.

دولت جمهوری افغانستان با حوصله و خونسردی کامل در راه پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز و شرافتمندانه مسئله پشتونستان مجدانه سعی خواهد کرد.

ما عقیده داریم مناسبات افغانستان با منافع دو کشور و با منافع ترقی و تحکیم صلح در منطقه مطابقت دارد. امیدواریم سرانجام به این امر توفیق خواهیم یافت.

پیوندهای معنوی فراوان ما را با کشورهای ملی و مترقی عربی وابسته می سازد.

ما با کشورهای غیر منسلک جهان سوم بخاطر تأمین صلح و مبارزه علیه استعمار به هر شکلی که باشد و تبعیض نژادی همکاری نزدیک خواهیم داشت.

**رشته های محکم و وجوه مشترک قابل توجه، دوستی ما را با مردم بنگله دیش تأمین کرده است. زیرا دولت جمهوری خواهان صلح دائمی در نیم قاره می باشد.**

در این موقع بی مورد نخواهد بود تا از تمام مؤسسات بین المللی، همه ممالک دوست و مخصوصاً اتحاد جماهیر شوروی، ممالک متحده آمریکا، جمهوری فدرال آلمان، جمهوریت مردم چین و هم تمام ممالک دوستی که در راه انکشاف و پیشرفت وطن ما سهم گرفته اند، قدردانی نموده و از صمیم قلب از طرف دولت و مردم افغانستان اظهار تشکر نمایم.

**هموطنان عزیز،**

اجازه می خواهم تا به صراحت که خاصه ما افغان ها است در روشنی ترقیخواهانه اسلامی و مطابق به ایجابات عصر و زمان اعلام داریم که دولت جمهوری جوان افغانستان در راه اصلاحات بنیادی بدون شتاب قدم به قدم و به یاری خداوند بزرگ بدون لغزش به جانب افراط و تفریط شجاعانه به پیش خواهد رفت. ما مستشعریم که وظیفه اساسی دولت جمهوری افغانستان در این مرحله تاریخی عبارت است از:

پایان بخشیدن به نابرابری های اجتماعی، فقر و عقب ماندگی، که در طول قرون متمادی دامنگیر کشور ما است، تحکیم استقلال سیاسی و نیل به استقلال اقتصادی می باشد. دولت جمهوری هرگاه در مرحله مبارزه بخاطر ترقی اجتماعی و ایجاد یک اقتصاد محکم ملی وارد نگردد، استقلال سیاسی کشور و حاکمیت ملی مردم ما به مخاطره می افتد. بخاطر ایجاد یک اقتصاد ملی متکی به ساینس و تکنولوژی معاصر و ارتقای سطح زندگی مردم ما لازم است که ریفورم های عمیق و بنیادی اقتصادی و اجتماعی اجرا گردد.

سکتور دولتی تحکیم و تکامل یافته کشور را قادر خواهد ساخت که استقلال ملی خویش را تحکیم نماید و با اطمینان به یاری خداوند بزرگ در شاهره ترقی اقتصادی و اجتماعی گام نهد.

**هموطنان عزیز،**

ایفای وظایف عظیم ملی ایجاب می کند که در این مرحله خطیر و حساس تاریخی تمام نیروهای ملی و مترقی و تمام طبقات وطن پرست کشور در یک جبهه وسیع تحت لوای جمهوری جوان کشور متحد گردند تا به فضل خداوند جهت اصلاحات بنیادی و ایجاد یک افغانستان نوین، مقتدر و مترقی با شور و شوق وطن پرستانه با شجاعت و اطمینان به آینده با سرود انقلاب جمهوری جوان افغانستان به توکل خالق بی نیاز پیش روند.

**مذهب زنده دلان خواب پریشانی نیست از همین خاک جهان دگری ساختن است**

**زنده و جاوید باد افغانستان! سربلند باد مردم افغانستان! برافراشته باد بیرق جمهوری!**

**و من الله توفیق**

## \*\*\*\*\*

حکومت جمهوری افغانستان از همان روزهای اول تأسیس، برای انکشاف همه جانبه کشور در تلاش می افند تا حتی المقدور توانسته باشد آنچه را که به پیشگاه مردم خویش عرضه کرده بود در عمل پیاده کند. بناً برای طرح و پی ریزی پلان انکشافی کشور، به همکاری متخصصین خارجی رژیم های اقتصادی جداگانه و متخصصین داخلی زیر نظر محمد خان جلالر وزیر تجارت و علی احمد خرم وزیر پلان، دست به کار می شود، و پلان انکشافی هفت ساله را موازی با خط مشی جمهوری (با کمی تغییرات) تنظیم و بعد از تصویب مجلس وزرا در سال ۱۳۵۵ به امید سعادت و آرامی مردم و آبادی کشور با شوق و ذوق خسته گی ناپذیر دولت جمهوری شروع به کار عملی آن می کند. اما بی خبر از اینکه:

### ای بسی آرزو ها که خاک شدند

طوریکه مشاهده شد خطاب به مردم دو قسمت جدا اما باهم وصل است. قسمتی از آن مقدمه و مؤخره بیانیه را می سازد که سبک نوشته آن از سبک نوشته های ح.د.خ. در جریده خلق و جریده پرچم، زمین تا آسمان، فاصله دارد. زیرا اوشان اکثرأ لغات و کلماتی در نوشته ها به نام ادبیات مترقی به کار می بردند که بیشتر شباهت به تراوش افکار حزب توده ایران به روی کاغذ داشت تا به ادبیات مروجۀ افغانستان مانند خطاب به مردم. شاید از همین سبب بوده باشد که قسمت دوم خطاب به مردم بیشتر مورد توجه قرار گرفته است تا قسمت اول آن.

قسمت دوم مرکب است از: ۱- اصلاحات سیاسی، ۲- اصلاحات اقتصادی، و ۳- اصلاحات اجتماعی. آنانی که به فرمانفرمایی سلاطین گذشته در تاریخ افغانستان آشنایی دارند می دانند که سلطنت های افغانستان برعکس زمامداران کشورهای دیگر به دارایی عامه تسلط بیشتر داشتند و یا به عبارت دیگر در کشور مالک همه چیز و بی رقیب بودند. بنابراین، آنچه در "خطاب به مردم" به نام سکتور دولتی از آن نامبرده شده است مانند معادن کوچک و بزرگ و استخراج و بهره برداری از آنها، رودخانه ها و بندهای بزرگ آب گردان، زمین های لامزروع و لامالک و توزیع آنها به کوچی ها و اشخاص بی زمین، و علفچرها، راه های موتر رو و وسایل ترانسپورتی عامه، چه زمینی و چه هوایی، معارف و طب معالجوی و طب وقایوی رایگان، سرمایه گذاری های بزرگ (بانک ها و تأسیس فابریکات) حتی تجارت خارجی یا متعلق به دولت و یا تحت کنترل و رهنمایی دولت می بودند. آنهم در زمانی که هنوز دولت سوسیالیستی و سلب مالکیت های خصوصی و طبابت رایگان در جهان مروج نشده بود.

به طور مثال، اولین شفاخانه دولتی در پل محمود خان کابل در زمان امیر عبدالرحمان خان و نخستین مکتب به نام حبیبیه در زمان امیر حبیب الله خان (اولی چهل سال و دومی سی سال قبل از تأسیس دولت کمونیستی در اتحاد جماهیر شوروی) تأسیس شدند. تا پخش بیانیه خطاب به مردم، طبابت و تحصیلات از مکاتب ابتدایی گرفته تا درجه دکترا در افغانستان رایگان بوده است، و توزیع املاک دولتی به مردم بی زمین و اسکان کوچی ها در افغانستان قبل از تأسیس جمهوری تقریباً یک عمل تاریخی و عنعنوی شده بود.

بناً هر آنچه متعلق به دولت، اداره نامنجم داشت، برای بهره برداری بهتر و مؤثرتر آنها را به نام "سکتور دولتی" پلان گذاری و تحت اداره واحدی به نام وزارت پلان در پلان پنج ساله اول قرار داده بودند. و در تکمیل پروژه های بزرگ برای اولین بار از کمک های بدون قید و شرط سیاسی کشورهای دارا استفاده می کردند و کار شبانه روزی در تکمیل سریع تر و استفاده بهتر از پروژه های زیر ساختمان در مملکت (بین سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ ش) ترویج داده شد.

در قسمت "اصلاحات اقتصادی" در باره تجارت گفته شده است که:

دولت جمهوری تجارت خارجی کشور را به اساس یک تجارت رهنمایی شده بر روی منافع ملی رهبری خواهد کرد. در ساحه پولی و مالی گفته شده بود که: دولت جمهوری اسعار خارجی را در کشور حتی المقدور کنترل جدی خواهد کرد.



تقریباً عین عبارت تجارت رهنمایی شده و کنترل اسعار خارجی در بیانیه کارنامه های دولت در ظرف یک سال در سنبله ۱۳۳۳ بود یا ۱۳۳۴ درج و از طرف صدراعظم به اطلاع مردم رسانیده شد.

چند روز بعد از بیانیه صدراعظم، داکتر عبدالرئوف حیدر که چندین سال در آلمان غرب به حیث پروفیسر اقتصاد تدریس می کرد و به حیث وزیر تجارت در کابینه محمد داود تعیین شده بود، از وزارت مستعفی و نوشته بود: سالها در آلمان در رشته تجارت آزاد تحصیل و تدریس کرده ام و به تجارت رهنمایی شده نه توافق و نه هم معلومات دارم. از آنرو خواهشمندم استعفای مرا از وزارت تجارت بپذیرید.

فردا شب روز استعفا متن استعفا و قبول استعفای ایشان از رادیو کابل پخش گردید. اما کنترل اسعار خارجی توسط دولت بعد از تأسیس "د افغانستان بانک" و "بانک ملی" در سال ۱۳۱۴ ش (توسط عبدالمجید زابلی وزیر اقتصاد ملی در کابینه محمد هاشم خان صدراعظم) اسعار خارجی به دست آمده تجار از فروش اموال صادراتی به کشورهای خارجی در بانک مرکزی به پول افغانی تبادل می گردید. متعاقباً در تأسیس بانک تجارتی در پلان پنج ساله اول تبادل اسعار خارجی تجار افغانی رونق بهتر و کنترل بیشتر می یابد.

۳- اصلاحات اجتماعی: بهبود شرایط کار: اصل مزد مساوی در برابر کار مساوی:

با اینکه در سال ۱۳۳۳ ش در اکثر کشورها حتی در کشورهای بسیار پیشرفته جهان مزد مساوی در مقابل کار مساوی خصوصاً بین خانم ها و مردها مروج نبود و اجرای چنین امری آنهم در کشور عقب مانده ای مانند افغانستان که در آن روزها عنعنات قبیله و خرافات مذهبی نسبت به امروز صدها بار بیشتر در آن بیداد می کرد، کار سهل و ساده ای نبود. ولی با وجود آن صدراعظم در اجرای آن مصمم شده بود.

بناءً با ابتکار تازه ای بدون نشر و پخش و آوازه به دروازه ها انداختن قانون مامورین و قانون کار و کارگر را تصویب کردند و در قوانین متذکره شرایط مامور شدن و کارگر شدن بدون تذکر از جنسیت وضع گردید.

به استناد قوانین وضع شده خانم ها در تمام امور دارای مزد مساوی و حقوق مساوی با مردها شدند، آنهم بیست سال قبل از بیانیه "خطاب به مردم" و ده سال قبل از تولد ح.د.خ..

با استفاده از همین شرایط میسر شده بود که بعد از نهضت نسوان، خانم ها حق آنرا یافتند تا به حیث وکیل در شورای ملی، سپس تا مقام ریاست جمهوری خود را کاندید کنند.

ناگفته نماند که در پلان پنج ساله اول جهت پی بردن بیشتر و رفع خواسته های مردم به نسبت عدم احصائیه از داشته ها و نداشته های مردم افغانستان حکومت از مرامنامه های (احزاب) ویش زلمیان، وطن و ندای خلق که در جراید ندای خلق، وطن، ولس و انگار به چاپ رسیده بود برداشت های خوبی کرده بود.

بنابراین، با اینکه بین سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ ش باز هم احزاب در افغانستان قانونی نبودند، اما در عمل تشکیلات و نشریات داشتند و حتی وکلای شان در ولسی جرگه حضور داشتند.

از آن جمله بود احزاب خلق، پرچم، افغان ملت، اخوان المسلمین، شعله جاوید، مساوات و غیره، که مرامنامه ها و اهداف شان برای رسیدن به یک جامعه مرفه اما با روش های گوناگون در جراید منحصر به خود شان به نشر می رسید و می شد آرزوهای شان را در باره یک افغانستان انکشاف یافته مانند احزاب گذشته برشمرد. ولی با آنهم با این تصور که تأسیس جمهوریت در افغانستان برای آنها غیر قابل پیش بینی بود، احتمالاً این تحول عظیم تغییرات در روش سیاسی و عقیده ای آنها بوجود آورده باشد. شخصاً با شناختی که از رهبران احزاب گفته شده داشتم، تلفونی خواهش کردم نقلی از خط مشی خویش را در دسترس اینجانب بگذارند. با تشکر از آنها که ارادت مرا پذیرفتند و یکی پی دیگری توسط اشخاص شناخته شده حزبی مرا در جریان خط مشی خویش قرار دادند.

به نظر می رسید که خوشبختانه همه از پلان های اقتصادی و انکشافی کشور الهام گرفته بودند و در باره توسعه و انکشاف وطن شان تقریباً نظریات مشابه داشتند. ولی گروهی کمک های شوروی و کشورهای هم ردیف آنرا و دسته دیگری اخذ کمک از دول غربی را و بعضی هم خیال پلو کمک های کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس را بهتر و مفیدتر می دانستند.

در رابطه با بیطرفی و سیاست خارجی افغانستان بعضی ها نظریه نیمه دُلْمُل نوشته بودند. از آنرو مشکلی در انکشاف کشور و رفع بدبختی های مردم با توجه به نظریات احزاب مختلف نداشتیم و سیاست بیطرفی فعال و یکدنده جمهوری خواهان هم با اینکه مورد پسند بعضی از گروه ها نبود، اما با معارضی هم مواجه نگردید. از آنرو پخش "خطاب به مردم" تأثیرات شگرفی در نسل جوان و خصوصاً در طبقه خاموش افغانستان به جا گذاشت، آنهم از زبان شخصی که در آن روزها از محبوبیت خارق العاده و بی سابقه ای در افغانستان برخوردار بود و مردم هم می دانستند و هم باور داشتند که محمد داود آنچه را که می گوید در عمل پیاده می کند. ورنه طوری که دیده آمدید قسمت اعظم "خطاب به مردم" در سال های پلان پنج ساله اول و دوم از جانب صدراعظم و وزراء در روزنامه ها نشر و از رادیو افغانستان به اطلاع مردم رسانیده شده بود، و عملاً آنرا پیاده می کردند. بناءً عقل سلیم باور نمی کند که حزبی و یا شخصی بیست سال قبل از تولد خویش خط مشی را ترتیب و تدوین کند که سال ها بعد بالاتر از تصور شان نظام شاهی به جمهوری مبدل و جمهوری خواهان آنرا خط مشی خویش قرار داده و به اساس آن سنگ تهداب اولین جمهوریت را در افغانستان بگذارند.

### سوم: تجویز تجزیه افغانستان به شمال و جنوب در سال ۱۳۶۶

بعضی از خوانندگان تجویز تجزیه افغانستان را خبری بی مبتدا و بی سابقه خوانده و با حق به جانبی پرسیده اند: چرا از چنین طرح نامأنوس و بی سابقه ای که تصور آن در ادوار تاریخ در ذهن و زبان هیچ فردی از افراد افغانستان نه گذشته و نه شنیده شده بود، نه نوشته اند و از لغو و تخریب آن بحث کرده اند؟

از آنجایی که طرح مذکور در زمان ریاست جمهوری داکتر نجیب الله، به ابداع شوروی ها در افغانستان پیاده می شد، برای تفهیم بیشتر شمه ای از آن ماجرای طویل از نوشته محمد اسحاق توخی دستیار و دوست نزدیک رئیس جمهور تحت عنوان "دوکتور نجیب الله و خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان - بخش دوم" اقتباس شده است که:

### توطئه ایجاد اداره موازی حکومت در شمال:

طوری که در ابتدا یادآور شدم، چند دسته گی در رهبری شوروی نسبت به مسئله افغانستان مشکلات بزرگی را برای رهبری افغانستان در آن مقطع زمانی ایجاد نموده بود. به گونه مثال، هنگامی که سوال خروج قوای شوروی از افغانستان در زمان میخائیل گورباچف بلند شد، اندک زمانی نگذشته بود که در دهلیزهای عمارت کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان این سرگوشی ها آرام آرام شنیده می شد که گویا برای انقلابیون در تاریخ اتفاق می افتد که مجبور می شوند برای تنفس و تجدید قوا و استحکام پایه های حاکمیت انقلابی دست به عقب نشینی های موقتی بزنند. در صورت خروج نیروهای شوروی ممکن است مخالفان مسلح و حامیان بین المللی شان بر افغانستان آنقدر فشار وارد کنند که دولت را مجبور به عقب نشینی از کابل نمایند. برای این کار باید مقدمه های ایجاد یک اداره در شمال کشور قبلاً آماده شده باشد. حتی از ویتنام، کوریای شمالی، یمن جنوبی و غیره مثال هایی آورده می شد.

به خاطر دارم که یک مشاور بلند پایه شوروی نیز در این مورد از تن دادن به چنین موقعیت های ناگزیر افاده هایی را برای نگارنده انجام داده بود که سخنان او را به دوکتور نجیب الله یادآور شده بودم.

چنانکه در یکی از جلسه های بیرونی سیاسی حزب، که نگارنده به حیث دستیار منشی کمیته مرکزی اجازه شرکت را به حیث سامع داشتم، دوکتور نجیب الله در مورد شایعه ها و سر و صداهای تخلیه ولایت ها و ایجاد یکدم و دستگاه اداره دولتی در شهر مزار شریف، به شدت موضع مخالف گرفت و آنرا به حیث یک توطئه آشکار برای تجزیه کشور خواند. واضح بود که برای روس ها اتخاذ چنین یک موقف به معنای رویارویی و مقابله با آنها بود.

با وجود آن هم یک اداره طویل و عریضی از جانب سلطان علی کاشتمند رئیس شورای وزیران به نام "نماینده گی شورای وزیران در شمال" زیر نظر و ریاست نجیب الله مسیر معاون شورای وزیران ایجاد گردید، که به سطح معین های هر وزارت در تشکیلات مذکور بستهای گنجانیده شده بود.

وظیفه نماینده گی مذکور ظاهراً تنظیم امور انتقالات و بهره برداری از ذخایر نفت و گاز، کود کیمیایی و ذغال سنگ و غیره بود.

## ولی در عمل حیثیت یک شورای وزیران موازی با کابل را داشت.

تا جایی که حوادث بعدی نشان داد دست مسکو در پشت مفکوره ایجاد اداره موازی در شمال دیده می شد (حتی تا امروز هم ایجاد نوار امنیتی در شمال افغانستان از اهداف روسیه حذف نشده است) تا در صورت ضرورت مقدمات ایجاد یک نوار امنیتی را در شمال هندوکش برای حفاظت جمهوری های آسیای میانه چیده باشد. طبیعی است که مخالفت دوکتور نجیب الله با چنین تشکیلات برای شوروی خوشایند نبود و می توان گفت که به خاطر همین موضع او بود که مورد سوء ظن روس ها قرار گرفت. (ختم)

احتمالاً توخی صاحب لغو حکومت شمال را به دنبال تأسیس آن یا لازم ندانستند و یا فراموش کرده اند. بنابراین برای اینکه مبتدا و خبر با هم وصل شده باشد، اینک شما و ماجرای فروپاشی کابینه شمال افغانستان. آرزوی هر نویسنده از ابراز نظریاتش در مسائل ملی و بین المللی جلب توجه و ستایش مردم است. اما شفافیت قضایا در کتاب "تأسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان" برای در روشنی قرار دادن مردم از جریان وقایع مصیبت بار کشور شان بود، نه جلب توجه و نه ستایش مردم از نویسنده آن.

از آنرو در تجزیه و تحلیل چنین روندی خواهی نخواهی چهره هایی بی پرده شده اند و کارنامه هایی مورد مشاجره و بحث قرار گرفته اند که در تجویز تجزیه افغانستان به شمال و جنوب، در انتقال مسکوکات تاریخی افغانستان به اتحاد جماهیر شوروی و در تحریف طرح نماینده سرمنشی ملل متحد در تشکیل حکومت مورد قبول مردم، و بسا اعمال ناشایست دیگر منافع مردم افغانستان را در مقابل منافع دیگران نادیده می گرفتند و زیر پا می کردند.

بناء تعداد زیادی از جستجوگران حوادث پیشامده با شنیدن افشای چنین عناصر بی عرضه، با دلچسپی خارق العاده در جستجوی کتاب تأسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان می شوند.

در کنار مفسرین کارنامه های دوکتور نجیب الله دست به تحریف متن کتاب و جعل هویت نویسنده آن می زنند و سخن های نامستندی را بدون هیچ مدرک و دست آویزی، به توجیه دو سه تن از دار و دسته خویش، به اصطلاح رفقا، بالای هم می چینند و به هر در و دروازه ای که می رسند، می نویسند و به هر کنج و کناری که می روند داد می زنند که حسن شرق وابسته به شوروی ها بود.

از جانب دیگر بسیاری از تحلیل گران وقایع کشور، علاقه مند آن شده اند تا روشنی بیشتری بر قضایایی مانند تجویز تجزیه کشور، دستبرد به ذخایر طلای د افغانستان بانک و تحریف طرح نماینده ملل متحد جهت ختم جنگ های افغانستان ببندازند.

بناء بدون توقف روی ادعاهای نامستند و مبتذل بر می گردیم به متن کتاب. به آنجایی که گپ بالای وابسته بودن با و وابسته بودن از شوروی ها نبود، بلکه در آنجا پرس و پال بر سر این بود که چرا و برای چه کشور واحدی را با تاریخ پنج هزار ساله اش به شمال و جنوب تجویز به تجزیه کرده اند؟ و چرا به ارزش دو میلیارد دالر طلای ذخیره د افغانستان بانک را جمع آثار باستانی طلا تپه، تنگانتنگ با خروج عساکر شوروی از افغانستان با نادیده گرفتن همه مقررات کشور در اختیار بانک های شوروی می گذاشتند.

در آن کتاب قصه بر سر آن بود که چرا و برای چه طرح معقول و سازنده نماینده سرمنشی ملل متحد (کوردوویز) را در انتقال قدرت از ح.د.خ. به مردم افغانستان تحریف کرده اند؟ نه اینکه رفیق فلانی از زبان رفیق فلانی پشت بام خاله کوکو به رفیق فلانی قصه می کرد که:

حسن شرق همراه با ستمی ها به کمک ایران و به اشاره شوروی ها بر ضد حکومت مخالف شوروی و مردمی مرحوم دوکتور نجیب الله کودتا می کرد. عجب! آنهم در روزهایی که بیش از شصت هزار عسکر شوروی جهت حمایت از ح.د.خ هنوز در افغانستان حضور داشتند.

در واقع حساسیت و بی موازنه شدن مفسرین کارنامه ها از افشای سه موضوع که در همان روزهای اول صدارت خود به آن مواجه شده بودم سرچشمه می گیرد.

الی قسمت شانزدهم ادامه دارد...

د پانو شمیره: له ۱۱ تر ۱۱

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی